

نشر و ناشران از دیدگاه کتابداران و اطلاع‌رسانان

عبدالحسین آذرنگ^۱

چکیده: "ناشرشناسی" یکی از وظایف و مسئولیتهای کتابداران و اطلاع‌رسانان است، و اینان بنا به ضرورت و ماهیت اطلاع‌رسانی بناچار به شناخت نشر و ناشران روی می‌آورند. در منابع درسی و آموزشی شناخت و انتخاب کتاب، معمولاً فصلی یا بحثی خطاب به دانشجویان و پژوهندگان کتابداری و اطلاع‌رسانی، و به آداب این کار، اختصاص می‌یابد. اما این نوشته شاید نخستین مقاله‌ای باشد که خطاب آن نه به اینان، بلکه با ناشران و سایر "کتابندگان" است. شاید ناشران بتوانند از راه این مقاله تصویری از برخی وظایف و اقدامات خود راه که ممکن است نادیده یا بی‌اهمیت و کم‌اهمیت بگیرند، در آیینة نظر کتابداران و اطلاع‌رسانان، برای نخستین بار، ببینند و از یاد نبریم که شناختهای متقابل، مهمترین گام در راه تفاهم، همفکری و همکاری است.

کتابداران و اطلاع‌رسانان به گونه‌ای متفاوت از دیگران به ناشران می‌نگرند. علت این تفاوت در چیست؟ شاید بتوان گفت عمدتاً در دو چیز است: (۱) مسئولیتی که اینان بنا به وظایف تخصصی‌شان در قبال مجموعه نهادهای اطلاعاتی خود و مخاطبان و مراجعان و خوانندگان دارند، (۲) شناختی که باز به لحاظ مسئولیتشان به ناگزیر درباره ناشران به دست می‌آورند. ناشران، تولیدکننده، توزیعگر و مروج اطلاعات و گردش اطلاعات‌اند. جویبارهای اطلاعاتی، به‌ویژه در عرصه کتاب، از ناشران سرچشمه می‌گیرد و در نهایت به نهادهای اطلاع‌رسانی (کتابخانه‌ها، آرشیوها، مراکز اسناد و مدارک، بانکهای اطلاعاتی و سایر واحدهای

۱. عضو هیئت علمی بنیاد دایرة المعارف اسلامی و دانشگاه آزاد اسلامی

اطلاعاتی) می‌ریزد. این جریان اطلاعاتی، که به‌ویژه از سدهٔ بیستم به جریانی خروشان و توفنده تبدیل شده، گاه از ظرفیت پذیرش نهادها افزونتر است. اگر نهادهای اطلاع‌رسانی را به بندها و آبگیرهایی تشبیه کنیم، جریانهای اطلاعاتی به سیلی می‌ماند که در مدّت کوتاهی بندها و آبگیرها را پر و از آنها سرریز می‌کند. اینکه در هر بندی چه قدر آب جای بگیرد و ذخیرهٔ آب در چه مدتی و چگونه تجدید شود، موضوعی است که بحثهای نظری و عملی فراوانی دربارهٔ آن شده و از حوصلهٔ بررسی ما در اینجا خارج است.

کتابداران و اطلاع‌رسانان در برابر این گونه جریانهای سیل آسا چه کنند و با چه شناخت، روش، و ابزاری به عمل درست دست بزنند؟ در کتابهایی که دربارهٔ انتخاب و ارزشیابی منابع نهادهای اطلاع‌رسانی نوشته شده، که شمار آنها نیز کم نیست، به جنبه‌های مختلف این موضوع پرداخته‌اند و علاقه‌مندان می‌توانند بحثها را در آن منابع بیابند و دنبال کنند. آنچه در این مقاله بیشتر طرح می‌شود، ناشرشناسی است، یعنی شناخت و ویژگیهای اصلی و عمدهٔ ناشران از دیدگاه کتابداران و اطلاع‌رسانان.

نشر هم اکنون صنعتی گسترده و فعالیتی انتفاعی است. دست کم بیش از ۹۰ درصد کتابهایی که منتشر می‌شود - البته بر اساس محاسبه‌ای تخمینی - به قصد فروش و به دست آوردن سود است. حتی ناشران غیر انتفاعی، که هدف اقتصادی ندارند، ناگزیرند کتابهایشان را بفروشند تا از راه درآمد حاصل، کتابهای دیگری منتشر کنند. پس به تعبیری می‌توان گفت که ناشران می‌خواهند هر کتابی که منتشر می‌کند تا نسخهٔ آخر به فروش برسد، و کتابداران و اطلاع‌رسانان مانند مشتری سخت‌گیر، یا کسی که پول محدودی دارد، می‌خواهد مرغوبترین جنس را با مناسبترین قیمت پیدا کند. پیداست که خریدار و فروشنده با دو دید متفاوت و با دو هدف مختلف به کالا نگاه می‌کنند. تعارض میان آنها عامل و انگیزه‌ای برای شناخت است. مشتریها به‌طور طبیعی فروشندگان را محک می‌زنند و به سراغ فروشندگانی می‌روند که بتوانند با اطمینان خاطر از آنها خرید کنند و کالاهایی را بخرند که "مارک" آنها را می‌شناسند و به آن اطمینان دارند. البته خریداران کتاب معمولاً با ناشران تماس مستقیم ندارند و توزیع‌کنندگان و کتابفروشان میان ناشران و خریداران حایل‌اند. اما کسانی که با نظر حرفه‌ای به کتاب نگاه می‌کنند، سیاستها، برنامه‌ها و روشهای ناشر را از روی آثاری که نشر می‌دهد و کمیت و کیفیت آن در نشر به کار می‌بندد، تشخیص می‌دهند.

کتابداران و اطلاع‌رسانان از دو طریق عمده آثار هر ناشری را ارزشیابی و دربارهٔ آنها داوری

می‌کنند: (۱) ارزشیابی جنبه‌های ظاهری و مادی کتاب؛ (۲) ارزشیابی محتوایی و پس‌بردن به سیاست، برنامه، مثنی، و حوزه و محدوده فعالیت.

کتابداران و اطلاع‌رسانان از دو راه عمده خود ناشران را بررسی و درباره آنها داوری می‌کنند: (۱) شناخت مستقیم یا بی‌واسطه؛ (۲) شناخت غیرمستقیم یا با واسطه. به این نکات اجمالاً اشاره می‌شود:

ارزشیابی جنبه‌های ظاهری و مادی کتاب.

کتابداران و اطلاع‌رسانان بنا به تخصص، دانش فنی، و تجربه‌ای که در طول زمان و در جریان کار کسب می‌کنند، معمولاً اجزاء و عناصر کتاب را خوب می‌شناسند، و می‌دانند هر عنصری از کتاب از لحاظ حمل و انتقال اطلاعات چه نقش و اهمیتی دارد. کتاب از دیدگاه آنان، در اصل ابزار انتقال اطلاعات است و آرایه‌ها و پیرایه‌های کتاب، چه هنری و فنی، و چه چیزهای دیگر، فرع این نکته است، و اگر هم اهمیتی داشته باشد، اهمیتی ثانوی است. البته همین جا باید فوراً بیفزاییم که مقوله هنر، که گاه ادب هم جزو آن است، به کلی جداست. در برخی از آثار هنری، ماده کتاب ابزار و وسیله نیست، بلکه عین هدف است. مانند نقاشیها، نگاره‌ها و آلبومهایی که چاپ می‌شود. شاهنامه بایستغری چایی نمونه‌ای از این گونه کتابهاست. ارزش این شاهنامه در متن چاپ شده اشعار آن نیست، و کسانی که برای تحقیق به سراغ شاهنامه می‌روند به شاهنامه بایستغری مراجعه نمی‌کنند. ارزش این اثر به خط، تذهیب، میناتورها و هنرهای کتابسازی آن است. برای داوری درباره شاهنامه بایستغری شناخت هنری لازم است.

کتابهای دیگری هست که جنبه هنری و فنی چاپ و نشر آنها گاه همتراز ارزش محتوایی آنها و گاه کم و بیش در همان حد است. این گونه آثار ارزش مضاعف دارند و از این رو درباره آنها باید از دو دیدگاه داوری کرد. همه کتابهایی که در تاریخ کتاب جزو آثار نفیس، کهن، نایاب، کمیاب، و مانند آنها قرار می‌گیرد، معمولاً از این دسته است. کتابهای تخت جمشید (تهران: فرانتکلین؛ امیر کبیر، ۱۳۴۲)؛ کلبه و دمنه (تصحیح مجتبی مینوی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۳. قطع سلطانی)؛ حافظ (به سعی سایه، تهران: توس، ۱۳۷۳) که اخیراً منتشر شده است، برای مثال و نمونه، از جمله آثار چایی جدید و معاصر است که ارزشهای مضاعف دارند، و ارزش مادی آنها با گذشت زمان بیش و بیشتر می‌شود.

از اینها که بگذریم، سایر کتابها محملهای اطلاعاتی است و کتابداران و اطلاع‌رسانان به این نکته توجه و بر آن تاکید می‌کنند که ناشر، پیام اطلاعاتی پدید آورنده را در قالب و ساخت مادی و ظاهری مناسب جای داده است یا نه؛ اگر فی‌المثل ناشر، کتاب مرجع منتشر کرده، اصول و قواعد تدوین کتابهای مرجع را به کار برده است یا نه؛ اگر اثری جغرافیایی و سرشار از نام نقاط

مختلف طبیعی انتشار داده، آیا نمایه‌های مناسب برای بازیابی آنها تدارک دیده است یا نه؛ اگر کتابی از بخش و فصل و فصل فرعی و مانند آنها تشکیل می‌شود، آیا فهرستهای مناسب مندرجات به آغاز آن افزوده شده که دستیابی به مطالب را تسهیل کند؛ اگر اثری دارای تصویرها و جدولها و نمودارهاست، آیا فهرست بازیابی آنها در جای مناسب کتاب قرار گرفته است یا نه؛ و نکات بسیار و بسیار دیگری که مبتنی دآوری دربارهٔ همهٔ اجزاء و عناصر کتاب است، از رویهٔ جلد گرفته تا نهانی‌ترین اجزاء.

کالید کتاب را معمولاً به سه بخش اصلی تقسیم می‌کنند: ۱) واحدهای پیش از متن، ۲) متن، ۳) واحدهای پس از متن.

واحدهای پیش از متن از این اجزاء تشکیل می‌شود: صفحهٔ عنوان کوتاه، صفحهٔ عنوان بلند، صفحهٔ حقوق، پیشگفتار، دیباچه، و فهرستهای آغاز کتاب، البته با تفاوتی بنا به کتابها و زمینه‌ها و موضوعهای مختلف. متن کتاب شامل درآمد (مقدمه) و بدنهٔ اصلی کتاب یا بخشها و فصلها و مانند آنهاست. و واحدهای پس از متن عبارت است از: یادداشتها، حواشی و تعلیقات، پیوستها، واژه‌نامه، کتابشناسی و نمایه، و در این خصوص نیز البته با تفاوتی بنا به کتابها و زمینه‌ها و موضوعهای مختلف. همچنین هر کتابی پوششی دارد که مشخصات پدید آورنده و کتاب، و نام و نشان ناشر، و بعضی چیزهای دیگر بر آن ثبت می‌شود. کتابداران و اطلاع‌رسانان به کالیدشناسی کتاب تسلط دارند و حسن و عیب هر یک از اجزای کالید مادی کتاب را خوب می‌شناسند. توقع آنان از ناشر این است که اصول و قواعد لازم را در تهیه و تنظیم این اجزاء به کار بندد و به کاربردهای آنها توجه کند. حتی موارد بسیاری دیده شده است که کتابداران و کتابشناسان با ناشران همکاری می‌کنند و دانش فنی خود را به رایگان در اختیار آنان می‌گذرانند تا صورت کتاب به کمال نزدیک شود. از این رو، توجه و دقتی که ناشر در این زمینه به کار می‌بندد، و سواس و علاقه او، پیشنهادپذیری و استقبال از تذکرها و نقد و نظرها، از نکاتی است که کتابداران و اطلاع‌رسانان بدانها اعتنا می‌کنند و در ارزشیابی آثار و روش ناشران در نظر می‌گیرند. ارزشیابی محتوایی کتاب. ارزشیابی محتوایی از عهدهٔ کسی ساخته است که به موضوع کتاب و چگونگی شیوهٔ تدوین و ارائهٔ آن مسلط باشد، و طبیعی است که کتابداران، اطلاع‌رسانان، جز در حوزه‌های تخصصی خود، دربارهٔ محتوای کتاب نمی‌توانند نظری بدهند که ارزش تخصصی داشته باشد. اما اینان، با توجه به ساز و کارهایی که برای انتخاب و ارزشیابی کتابها وجود دارد، نظری که از متخصصان، مشاوران، ارزیابان، و مراجعان و خوانندگان متخصص و علاقه‌مند می‌گیرند، نقد و بررسیهایی که در منابع و مطبوعات می‌خوانند، و نیز در نظر گرفتن سایر جنبه‌ها و عوامل، به ویژه در حوزه‌هایی که محدودهٔ تخصص نهاد آنهاست،

تولایی نسبی داوری درباره محتوای کتاب را به دست می‌آوردند. کتابداران کتابخانه‌های پزشکی پزشک نیستند، کتابداران مؤسسات پژوهشی الکترونیک مهندس الکترونیک نیستند، اما معمولاً کتابهای اساسی و عمده این زمینه‌ها، نویسندگان مشهور و ناشران تخصصی در حوزه کار خود را خوب می‌شناسند. از واکنشهای محققان و خوانندگان آگاهند، و تأثیر کتابها را به‌طور محسوس و ملموس، دست کم بر بخشی از خوانندگان، می‌بینند، و آن دسته از ایسان که کنجکاوتر و علاقه‌مندترند، در راز و رمز و شگردهای کتابها و نویسندگان موفق باریک می‌شوند و به معیارها و ضوابط ارزشیابی تسلط پیدا می‌کنند.

طبیعت فعالیت کتابداری و اطلاع‌رسانی، فضای نهادهای اطلاع‌رسانی، و پیوند نزدیکی که این محیطها و فضاها با امور و مسائل تحقیقاتی دارد، موجباتی فراهم می‌آورد که کتابداران و اطلاع‌رسانان خواسته، و حتی ناخواسته، در جریان ارزشیابی کتابها قرار گیرند.

از اینها گذشته، اصولاً وظیفه و مسئولیت انتخاب منابع، یا به عبارت بهتر، به‌گزینی و دستچین کردن آنها، با کسانی است که در رأس نهادهای اطلاع‌رسانی قرار می‌گیرند. اینها، بنا به وظیفه و مسئولیتشان، ناگزیرند نیازهای مراجعان و خوانندگان را با کتابهای قابل اطمینان بر آورده سازند. عمل درست به این وظیفه، لاجرم ارزشیابی منابع و راهها و روشهای آن را به میان می‌آورد و کتابداران و اطلاع‌رسانان را با روتیه دیگری از کار ناشران رو به رو می‌سازد. کتابداران و اطلاع‌رسانان که در کار خود خبریگی کسب کنند، کتابشناس می‌شوند، و هر کتابشناسی نیز با یک نظر اجمالی به کتاب به سهولت در می‌یابد که ناشر در نشر این اثرش از مشورت فنی-تخصصی و از همکاری و برانستار برخوردار بوده است یا نه.

کتابداران و اطلاع‌رسانان در ارزشیابی کتابها نظر شخصی خود را مبنا قرار نمی‌دهند. در واقع مانند متخصصان و مشاوران عمل نمی‌کنند، بلکه دیدگاهی را درباره کتاب بیان می‌کنند که دیدگاه تکوین یافته نهاد آنهاست. مجموعه اطلاعاتی نهاد آنها، چندی، چونی، هدف، مخاطبان و استفاده کنندگان، سیاست، مشی، برنامه، بودجه، محدوده وظایف، ماهیت و نوع خدمات، وابستگی تشکیلاتی، نیازهای اکنون و آینده، فضای حاکم و مناسبات با محیط اجتماعی و فرهنگی، و بسیاری عوامل دیگر از جمله نکاتی است که در ارزشیابی محتوایی کتابها مبنای داوری قرار می‌گیرد. کتابداران و اطلاع‌رسانان مسلط و با تجربه کسانی هستند که مجموعه عوامل مؤثر را درست می‌شناسند، درست و متناسب ترکیب می‌کنند و در ارزشیابی نشر و ناشر، بجا و متناسب به کار می‌گیرند. همچنین باید یادآور شد که داوری اینان درباره محتوای کتابهای ناشران ثابت نیست، بلکه با توجه به نهاد و مجموعه متنوع آنهاست. اگر نهاد و مجموعه تغییر کند، داوری آنها نیز تغییر می‌کند. چه بسا ناشری از دیدگاه یک نهاد و مجموعه موفق و مطلوب

باشد، و از دیدگاه نهاد و مجموعه‌های دیگر ناموفق و نامطلوب، در واقع داورها و ارزشیابی‌های محتوایی نسبی است و نوع مجموعه و اطلاع‌رسانی وابسته به آن، مسیر دآوری و ارزشیابی را تعیین می‌کند.

شناخت کتابداران و اطلاع‌رسانان از ناشران معمولاً از دو راه بیرون نیست: مستقیم و غیر مستقیم.

شناخت مستقیم ناشران، کتابداران و اطلاع‌رسانان بنا به طبیعت کارشان با ناشران سر و کار دارند. بعضی از آنان که خود اهل قلم باشند، با ناشران آمد و شد و گفت و گوی مستقیم دارند، از نزدیک در جریان کار آنها قرار می‌گیرند و طبیعتاً نشر را در تجربه‌ی واسطه‌حس و درک می‌کنند. گاه نیز میان آنها و ناشرانی که به حرفه‌ی کتابداری، کتابشناسی و اطلاع‌رسانی تفاهم نشان می‌دهند و به اهمیت کار و نقش متخصصان این حوزه‌ها پی می‌برند، دوستی و همکاری برقرار می‌شود. این گونه ارتباطها عملاً کتابداران و اطلاع‌رسانان را با مسائل نشر آشنا می‌کند و راه مناسبی برای شناخت ناشران است، مشروط بر آنکه احساسات و عواطف شخصی و مناسبات دوستانه و غیر دوستانه مینای دآوری و ارزشیابی قرار نگیرد.

کتابداران و اطلاع‌رسانانی که خود اهل قلم باشند، معمولاً به انجمنها، مجامع و محافل اهل قلم نیز آمد و شد دارند و بر اثر تماسها و گفت‌وگوها از این طریق، درباره‌ی ناشران شناختهای مستقیم و غیر مستقیم به دست می‌آورند، که طبعاً بخشی از آن از نوع آشنایی با تجربه‌های دست اول است.

آن دسته از کتابداران و اطلاع‌رسانانی که، به بیان مخالفان و منتقدان آنها، فقط "سواد رو جلدی" ندارند، و از ظاهر کتاب به باطن آن وارد می‌شوند و اهل خواندن‌اند، یا به عبارت بهتر، خواننده‌ی حرفه‌ای هستند، با دیدگاههای مضاعفی به کتاب نگاه می‌کنند و از این رو ارزشیابی‌شان ابعاد دیگر و بیشتری می‌یابد.

سایر کتابداران و اطلاع‌رسانان نیز کم و بیش بیشتر از کسان دیگر امکان تماس و آشنایی مستقیم با ناشران را دارند، و به این ترتیب از این راهها و راههای مشابه، شناخت مستقیم ناشران حاصل می‌شود.

تجربه نشان داده است کتابداران و اطلاع‌رسانانی که از ناشران شناخت مستقیم دارند و می‌توانند با آنها مستقیماً تماس بگیرند، بهتر از همکارانشان مسائل و مشکلات خود را، از جهاتی که به تهیه و گردآوری منابع و بررسی و ارزشیابی آنها مربوط می‌شود، حل می‌کنند. در ضمن ناشران یکی از بهترین حلقه‌های رابط با پدید آورندگان‌اند. کتابداران و اطلاع‌رسانان از این

طریق می‌توانند یا برخی از آنها تماس مستقیم برقرار سازند. در کتابخانه‌ای که خوانندگان علاقه‌مند بتوانند یا پدید آورندگان و ناشران آثار دلخواهشان از نزدیک آشنا شوند و دیدار کنند، فضای فرهنگی زنده و محیط فکری پر تکاپویی ایجاد می‌شود. برقراری ارتباط مستقیم و گفت‌وگو میان خوانندگان و پدیدآورندگان، یکی از اساسی‌ترین هدفهای کتابخانه‌هاست. کتابداران و اطلاع‌رسانانی که مناسبات و شناخت مستقیم داشته باشند، این هدف را بهتر از دیگران به تحقق می‌رسانند.

یادآوری این نکته بی‌جا نیست که شناخت مستقیم ناشران، کتابداران و اطلاع‌رسانان را از شناخت غیرمستقیم اصلاً بی‌نیاز نمی‌کند. تعداد ناشران بسیار است و امکان شناسایی بی‌واسطه همه آنها به هیچ‌روی ممکن نیست. "ناشرشناسی"، ایجاب می‌کند که ناشران از راههای مختلفی که ممکن و موجود است شناسایی شوند.

شناخت غیرمستقیم ناشران، کتابداران و اطلاع‌رسانان به کمک منابع و از راههای دیگر، ناشران را می‌شناسند. "ناشرشناسی" بخشی از روند ایجاد، تکمیل و اصلاح مجموعه است. شناخت ناشران، مانند هر گونه شناخت دیگری، زمانی معتبر و ارزشمند است که اصول، قواعد و زمینه‌های شناخت به‌طور منظم، روشمند و سازمان‌یافته مراعات و سپری شده باشد. بخشی از شناخت ناشران از راه غیر مستقیم است.

مهمترین ابزار برای شناخت ناشر، فهرستهایی است که خود در معرفی کارهایش منتشر می‌کند. فهرست‌شناسی یکی از تجربه‌هایی است که کتابداران و اطلاع‌رسانان بر اساس آن درباره فهرست ناشر داوری می‌کنند. ساخت، روش، نوع ارائه، زبان و بیان، تقسیم‌بندی موضوعی، عرضه اطلاعات سودمند و پاری‌دهنده، طرح و شکل و ظاهر، و جنبه‌ها و اطلاعات دیگر فهرست ناشر، بی‌درنگ با هر ارزیابی باتجربه‌ای سخن می‌گوید. با بررسی فهرست، حوزه فعالیت ناشر، انتخابها، سیاستها، اولویتها، برنامه‌های گذشته و اکنون و آینده، سلیقه‌ها، دیدگاهها، و بسیاری نکات دیگر عیان می‌شود. ناشرانی که فهرست انتشاراتشان را به‌طور مرتب و با دقت و سلیقه و سواس منتشر نمی‌کنند، معمولاً از دیدگاه کتابداران و اطلاع‌رسانان منفی ارزیابی می‌شوند. منتشر کردن فهرست، آن هم به‌طور منظم و مرتب، از دیدگاه آنان جزو شرایط اصلی کار است.

راه دیگر، اطلاعیه‌ها و آگهی‌هایی است که ناشران از کتابهای تازه انتشار یافته خود می‌دهند. شکل و نوع اطلاعیه و آگهی، مجرا، زمان و مکان آن نیز در داوری و ارزشیابی مبتنا قرار می‌گیرد. انتشار بسیاری از کتابها رویدادی علمی، فرهنگی، و اجتماعی است؛ انتشار بسیاری از کتابها رخدادی آموزشی است؛ انتشار بسیاری از کتابها، در نفس خود، به منزله حادثه است. ناشری که

ایجاد کار خود را بشناسد، کتاب تازه انتشار را از مجرای رسانه‌های همگانی به گونه‌ای معرفی می‌کند که اعضای جامعه از حادثه‌ای که او ایجاد کرده است شناخت متناسب با آن حادثه به دست آورد. طبیعتاً ناشری که به ابعاد کار خود توجه نداشته باشد و به این وظیفه عمل نکند، مسئولیتی را فرو گذاشته است که برداشتن آن وظیفه دیگری نیست، و این نکته‌ای نیست که از نظر کتابداران و اطلاع‌رسانان دور بماند.

اگر ناشر درباره اثر منتشر شده خود اطلاعات دست اول ذکر نکند، برای کسب اطلاع درباره کتاب لاجرم باید به نقدها، بررسیها، معرفیها، اظهارنظرها و فهرستها و صورتهای دیگر رجوع کرد تا نخستین اطلاعات اجمالی به دست آید. کتابداران و اطلاع‌رسانان در این خصوص بر دیدگاههای صاحب‌نظران و کتابشناسان تأکید خاص دارند. صاحب‌نظران کتابشناس از نظر آنان قابل اعتمادترین افراد برای داوری و اظهار نظر هستند. در درجه دوم و سوم و چندم اهمیت، کسانی که در نشریات تخصصی و عمومی به نقد و معرفی و بررسی کتابها می‌پردازند. فهرستهای ساده کتابشناختی و کتابشناسیهای ساده آخرین ابزارهایی است که برای کسب اطلاع درباره کتاب بدانها مراجعه می‌کنند. البته همه انواع کتابشناسی در معرفی کتابها نقش یکسانی ندارد. کتابشناسیهای تحلیلی، انتقادی، تشریحی، توصیفی و مانند آنها، که بر پایه اصول کتابشناسی تدوین یافته باشد، ابزار مناسبی برای شناخت کتاب است؛ اما معمولاً این گونه کتابشناسیها در همه کشورها، و به ویژه در کشورهای جهان سوم، موجود و در دسترس نیست، و گذشته از این، تدوین و انتشار کتابشناسیها معمولاً زمانی صورت می‌گیرد که کتاب انتشار یافته و تازگی خود را به عنوان حادثه فرهنگی و رویداد زنده از دست داده است. مراجع دیگری که به معرفی و توصیف کتاب می‌پردازد نیز معمولاً همین وضع را دارد.

نشستهای بحث و گفت‌وگو درباره کتاب در رسانه‌های همگانی گاه می‌تواند راه مناسبی برای آشنایی با کتابهای تازه انتشار یافته باشد. برگزاری این نشستها و مشارکت صاحب‌نظران در بحث، بیشتر به نقش و جایگاه و فعالیت کسانی وابسته است که برنامه‌ها را تدوین و اجرا می‌کنند. از این رو داوری کلی در این باره ممکن نیست. البته اگر کتابداران و اطلاع‌رسانان بتوانند در محیطهای خود، و با شرکت علاقه‌مندان و خوانندگان، و نیز پدیدآورنده و ناشر کتاب، کتابهای تازه را به بحث بگذارند، نتایج سودمندتری به دست می‌آید که برای مخاطبان مستقیم آنها طبعاً قابل مقایسه با راهها و وسیله‌های دیگر نیست، و تأثیرهای آن بسیار عمیق و دیرپاست.

به‌طور کلی، ناشرشناسی بخشی از وظیفه حرفه‌ای کتابداران و اطلاع‌رسانان است. ناشران از

دیدگاه اینان، از سرچشمه‌های تولید اطلاعات‌اند. نقش آنها ایجاد رویداد فرهنگی و تأثیرگذاری بر سیر تحولات علمی، فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، و به‌طور کلی فکری و معنوی جامعه است. و از این رو نقش خطیر و حساس آنها نیز با حساسیت زیرنظر گرفته و دنبال می‌شود. کتابداران و اطلاع‌رسانان به چند نکته اساسی درباره ناشران توجه می‌کنند و این نکات را مبنای داوری قرار می‌دهند. نکات عمده اینهاست:

- آیا ناشر به وظایف، مسئولیتها، و مسائل فنی - حرفه‌ای شغل خود آگاه است؟
- آیا پدید آورنده اثر را درست می‌شناسد و درست بر می‌گزیند؟
- آیا مخاطبان اثر را می‌شناسد؟
- آیا کتاب از نظر صورت و محتوا، و با توجه به نقطه‌های مبدأ و مقصد، متناسب تدوین و منتشر شده است؟
- آیا زمان، مکان، و موقعیت نیز متناسب است؟

اگر پاسخ این پرسشها مثبت باشد، ناشر در واقع به وظایف اصلی خود عمل کرده است و از دیدگاه آنان ناشر است. نکات دیگری که مطرح می‌شود، در عین آنکه جنبه ثانوی دارد مکمل نکات پیشین است، و جایگاه دقیقتر ناشر را در میان ناشران تعیین و نقش و وظایف او را ارزشیابی می‌کند. این نکات ثانوی، اجمالاً اینهاست:

- آیا ناشر دیدگاه فرهنگی دارد و کتابهایش را با توجه به هدف مشخص و پرکردن خلاء و برآوردن نیازی منتشر می‌کند؟
- آیا ناشر حوزه تخصصی را قلمرو تخصصی خود قرار داده است؟
- آیا ناشر سبک، سلیقه، روش و انتخابهای مخصوص خود را دارد و می‌توان هویت و اصالت کارهای او را فوراً تشخیص داد و تعیین کرد؟
- آیا در آثار او پیروی از سیاست و برنامه انتشاراتی مطالعه شده‌ای دیده می‌شود؟ آیا سیاست مجموعه سازی و انتشار کتاب در قالب مجموعه دارد؟
- آیا ناشر به واکنش جامعه عمومی و مجامع تخصصی توجه دارد و به آنها پاسخ می‌گوید؟
- آیا طرز سلوک آن با همه عناصر تولیدکننده و مصرف‌کننده کتاب مناسب است؟
- آیا در کارش ابتکار، نوآوری، دور اندیشی و جسارت و قدرت مخاطره پذیری دارد؟
- آیا رفتار و شیوه همکاری با کتابخانه‌ها، خادمان کتاب، کتابگزاران و مانند آنها مناسب است؟

اگر پاسخ همه اینها مثبت باشد، کتابداران و اطلاع‌رسانان آن ناشر را در صدر جدول ارزشیابی ناشران جای می‌دهند و به سرچشمه تولید بخشی از اطلاعات خود با اعتماد و اطمینان و رضایت خاطر می‌نگرند.

ناشرانی که پاسخ همه این پرسشها درباره آنها مثبت نباشد، به تناسب در جایگاههای بعد و بعدی قرار می‌گیرند. کسانی که به وظایف و مسئولیتهای خود با اعتقاد و علاقه عمل می‌کنند عموماً از احترام خاص و خالص یکدیگر برخوردارند. ناشران راستین نیز محبوب محترم کتابداران و اطلاع‌رسانان کتابدوست و خواننده دوست‌اند. ■



شعبه‌سنگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی